



نسرین غبایی
آگروه فرهنگ

می‌شود. درست این است که روایت یا هر اثر هنری فرزند زمانه خود و گواه آن دوران باشد. درواقع همین شکل و چگونگی یک روایت است که هنرمند را یا به صدر می‌نشانند یا به ذیل. برای نسل امروز این موضوع بیش از هر چیزی اهمیت دارد. نسل جوان و نوجوان امروز که به عنوان «نسل Z» شناخته می‌شود، نسلی مطالبه‌گر است که به این زودی‌ها در مورد چگونگی و شکل بیان روایت قانع نمی‌شود. بنابراین باید دنبال راه حل‌ برای این مساله باشیم. به‌نظر می‌رسد می‌توانیم رد پای این راه‌حل‌ها را در آثار هنری سال‌های اخیر و در حوزه سینما بیشتر ببینیم و جست‌وجو کنیم. یکی از قالب‌هایی که تحت تأثیر زمانه حال قرار گرفته و متحول شده، شکل بیان روایت در سینمای دفاع مقدس است. اگر در گذشته قهرمانان سینمای دفاع مقدس دست‌نیافتنی و آسمانی بودند و اشتباه نمی‌کردند، امروز و حداقل در سال‌های اخیر این قهرمانان بیشتر وجوه انسانی دارند و از درون مردم برخاسته‌اند. این فیلم‌ها نشان می‌دهند شهید نه فرشته است و نه اسطوره‌ای افسانه‌ای، بلکه انسانی است که در میانه زندگی عادی در دلش دچار احساس تردید، ترس و حتی خشم و اشتباه می‌شود. برای این‌که بدانیم سینمای دفاع مقدس در دهه ۶۰ تا به حال چگونه بوده و شمایل قهرمانان را بطور نشان می‌دهد، باید به تاریخ این سینما رجوع کنیم.

■ ■ ■

قدیسان آسمانی در سینمای دهه ۶۰

اگر بگویم قهرمانان فیلم‌های جنگی دهه ۶۰ قدیسانی بودند که از آسمان به زمین آمده‌اند تا از خاک کشور دفاع کنند زیادگویی نکرده‌ایم. قهرمان این دوره، جنگجویی همه‌فن حریف بود که به تنهایی به دل دشمن می‌زد و ضمن این‌که مأموریت را با موفقیت کامل تمام می‌کرد خودش سالم به وطن برمی‌گشت یا زخمی سطحی برمی‌داشت. این جنس قهرمان درواقع پس از موفقیت فیلم «پایگاه جهنمی» اکبر صادقی متولد شد و می‌توان گفت در فیلم «رنجر» احمد مرادپور به بلوغ رسید. این قهرمانان همه‌فن حریف که

جمشید هاشم‌پور نماد آنهاست، توانستند در دهه ۶۰ با «عقاب‌ها» ساخته ساموئل خاچیکیان و «کانی‌مانگا» به کارگردانی سیف‌الله داد، گیشه‌ها را فتح کنند.

عارف‌مسلمان دهه ۷۰

در دهه ۷۰ فیلم‌های شاخص و مهمی وجود داشت که هرکدام مقدمه‌ای برای ساخت آثار پس از خود هستند. در این دهه شاهد اولین فیلم کمدی سینمای دفاع مقدس، اولین فیلم انتقادی با موضوع جنگ و اولین فیلم فانتزی دفاع مقدس هستیم. از ویژگی‌های بارز این دوره می‌توان به ورود پرقدرد عرفان و مفاهیم معرفتی در فیلم‌ها اشاره کنیم؛ به شکلی که شخصیت‌های اصلی آثار این دوره به‌خصوص آنهایی که به مقاطع پس از جنگ می‌پردازند قهرمانانی عارف‌مسلك هستند. فیلم‌های جنگی این دوره همچنان ویژگی‌های ژانری دهه ۶۰ را دارند با این تفاوت که شخصیت‌هایش آن قدرها آسمانی نیستند و بیشتر به ساکنان زمین نزدیک شده‌اند. در این دوره حاج کاظم «آژانس شیشه‌ای» به‌عنوان نماینده نسلی که عمرش را آرزای‌های خود و وطنش کرده از جامعه می‌خواهد بعد از جنگ به باورهایی که داشته پشت نکند. قهرمانان دهه ۷۰ سینمای دفاع مقدس همچنان پیرو نسل اول این سینما هستند. در این دهه شاهد قدیسان معروفی هستیم که همچنان در بحبوحه جنگ سرشار از فضایل اخلاقی‌اند و در پایان فیلم آنها را ارتقا می‌دهند، گویی که جبهه محل خودسازی است. از جمله فیلم‌های جنگی دهه ۷۰ که دارای این نوع قهرمانان هستند می‌توان به فیلم «سجاده آتش» احمد مرادپور و «عملیات کرکوک» جمال شورجه اشاره کرد. این جنس قهرمان را می‌توان در فیلم «سفر به جزایه» رسول ملاقلی‌پور نیز دید.

خیز آرام به سمت اشتباه‌پذیری در شخصیت‌ها

اصلی‌ترین دلیل این‌که به دهه ۷۰ ده طلایی سینمای دفاع مقدس گفته می‌شود، معرفتی گونه جدیدی از قهرمان در سینماست؛ قهرمانی که نه آنچنان روح بلند و آسمانی داشت که تبدیل به قدیس شود و نه آنچنان توان رزمی بالایی که لشکری را از پا درآورد. این قهرمانان انسان‌هایی معمولی از دل جامعه بودند که آدم‌هایی زندگی می‌کردند و می‌توانستند اشتباه کنند، از جبهه و خط مقدم بترسند و حتی برای نجات جان رفیق خود اقدام به گروگان‌گیری کنند. اولین بارقه‌های خلق چنین قهرمانی را می‌توان در شخصیت «دایی غفور» (علی نصیریان) فیلم «بوی پیراهن یوسف» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا دید. البته بلوغ چنین قهرمان‌هایی را می‌توان در فیلم‌هایی مانند «آژانس شیشه‌ای» ابراهیم حاتمی‌کیا و

روایتی زمینی از قهرمانان آسمانی

به بهانه اکران «مجنون» شمایل انسانی و زمینی شهدا را در فیلم‌های دفاع مقدسی بررسی کرده‌ایم

«لیلی با من است» کمال تبریزی مشاهده کرد.

تابوشکنی و آغاز در دهه ۸۰

سینمای دفاع مقدس دهه ۸۰ دچار افت کمی و کیفی آثار شد اما صحبت از اولویت‌های جدید به میان آمد. البته در دهه ۸۰ نیز شاهد فیلم‌های شاخص و کارگردانانی هستیم که پخته‌تر از فیلم‌های گذشته سر برآورده‌اند. فیلمسازان دفاع مقدس بعد از دو دهه کسب تجربه با دیدی متفاوت وارد دهه ۸۰ شدند و در این دوره شاهد فیلم‌های متنوعی از نظر موضوع و مفهوم هستیم. تنوع در این برهه تا حدی است که از طرفی اثری مانند «میم مثل مادر» آخرین فیلم رسول ملاقلی‌پور را داریم و از طرف دیگر فیلم «خراجی‌ها» ی مسعود ده‌نمکی. اخراجی‌ها به‌عنوان دومین اثر کمدی دفاع مقدس توانست به‌واسطه معرفی شخصیت‌هایی جدید و تابوشکنی در ژانر دفاع مقدس و معرفی قهرمانانی که از دل جامعه بیرون آمده‌اند، در گیشه به فروش خوبی دست پیدا کند و دنباله‌های آن هم ساخته شود. از ویژگی‌های آثار آن دوره می‌توان به پختگی آنها در زمینه روایت و داستان اشاره کرد، به‌گونه‌ای که کارگردانان در این دهه دنبال بخشی از جنگ هستند که بیش از این کمتر یا به آن پرداخته شده بود. قهرمانان فیلم‌های این دوران توانستند پای‌شان را روی زمین قرص کنند. قهرمانانی که ابراهیم حاتمی‌کیا و کمال تبریزی به سینمای دفاع‌مقدس معرفی کرده بودند. در این دهه تثبیت می‌شوند. در دهه ۸۰ برای نخستین بار است که دوربین فیلمسازان به شکل جدی به سمت زنان می‌رود و بخشی از پشت جبهه (نقش زنان در پشتیبانی جنگ) را به موضوع آثار سینمایی قرار می‌دهد. گرچه پیش از این در همان دهه ۶۰ فیلم «باشو غریبه‌ای کوچک» تا حدودی به این بخش از جنگ پرداخته بود یا احمدرضا درویش در دهه ۷۰ با فیلم «سرزمین خورشید» راوی رشادت‌های زنان در جبهه‌های نبرد شد، اما رخشان بَنی‌اعتماد در فیلم «گیلانه» به موضوع زنان و رابطه آنها با دفاع‌مقدس نیز به شکلی پررنج می‌پردازد. ازجمله فیلم‌های شاخص این دوره می‌توان به «دوئل» احمدرضا درویش با روایت قصه‌ای خیالی در بستر رویدادی تاریخی در جنگ تحمیلی و «اتوبوس شب» ساخته کیومرث پوراحمد با بازی خسرو شکیبایی اشاره کرد.

حضور شخصیت‌های حقیقی جنگ در دهه ۹۰

دهه ۹۰ شمسی آغاز ۳۰سالگی و تحول سینمای دفاع‌مقدس است؛ در این دوره زاویه دوربین فیلمسازان روی قهرمانان و شخصیت‌های حقیقی جنگ تمرکز دارد و به حالات درونی و نحوه مواجهه آنان با چالش‌هایی که برای‌شان اتفاق می‌افتد می‌پردازد. از کارگردانان این دوره که به قهرمانان جنگ پرداخته‌اند، می‌توان به ابراهیم حاتمی‌کیا، نرگس آبیار و محمدحسین مهدویان اشاره کرد. حاتمی‌کیا با ساختن فیلم «چ» از یک طرف ماجرای جنگ در



بارقه‌های توجه به شهید زمینی در کلام رهبری

رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگردانان، نویسندگان و هنرمندان حوزه سینما همواره بر لزوم توجه به شمایل انسانی شهدایی که در جنگ تحمیلی حضور داشته‌اند تأکید کرده‌اند. ایشان در ۲۲ تیر سال ۸۵ گفتند: «شهید را باید آن‌طور که هست نشان دهید، نه آن‌طور که خیال می‌کنیم باید باشد. اگر او را از آسمان به زمین بیاورید، مردم او را بهتر درک می‌کنند و بهتر دوستش دارند». همچنین ایشان در ۲۷ شهریور سال ۸۹ فرمودند: «شهیدان ما فرشته نبودند. انسان بودند؛ انسان‌هایی از جنس مردم، با احساسات و عواطف معمولی، با خانواده، با گرفتاری‌های زندگی اما در یک لحظه تصمیم بزرگ گرفتند و از خود گذشتند. همین تصمیم آنها را جاودانه کرد. هنر باید این انسان تصمیم‌گیرنده را نشان دهد». در همین دیدار بود که رهبر معظم انقلاب تأکید کردند که روایت اغراق‌آمیز از شهدا، حقیقت آنها را کمرنگ می‌کند و سینما باید واقعیت ایمان در دل انسان معمولی را نشان دهد.

کردستان را به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر به نقش شهید مصطفی چمران در پایان دادن به جنگ می‌پردازد. فیلم دیگر، «شیار ۱۴۳» به کارگردانی نرگس آبیار بود؛ فیلمی درباره یک شخصیت واقعی در جنگ که نه فرمانده، بلکه مادر شهید داوود عبدللهی است. همچنین محمدحسین مهدویان با فیلم «ایستاده در غبار» راوی زندگی احمد متوسلیان از دوران نوجوانی تا فرماندهی لشکری می‌شود که باید در دروازه‌های خرمشهر با دشمن بجنگد، اما سرنوشت او فرسنگ‌ها دورتر از مرزهای ایران رقم می‌خورد. شخصیت‌های اصلی فیلم‌های این سه کارگردان آغازگر موج نوی سینمای دفاع‌مقدس هستند و در این آثار سعی شده تصویری پرتراهی از قهرمانان واقعی جنگ نشان داده شود و مخاطب با زیست شخصی آنها آشنا می‌شود.

خانواده قهرمانان در کانون توجه روزگار حال

اما می‌رسیم به سال‌های ۱۴۰۰ و بعد از آن که قهرمانان کاملاً در دسترس هستند و از میان مردم برخاسته‌اند. در زمانه فعلی، سینمای دفاع‌مقدس در جایگاهی ایستاده که مخاطب با دفاع مقدس دوم نسبت به جنگ و تبعاتش آشنایی به‌دست آورده است. با توجه به وقوع این جنگ، تصویر قهرمانان برای کارگردانان و مردم ملموس‌تر است. در دوران حاضر بیش از هر چیزی سعی شد تا چهره بدون روتوش جنگ به مخاطب نشان داده شود. اکنون تمرکز فیلمسازان دفاع‌مقدس بیشتر روی موضوعاتی است که تا پیش از آن اصلاً به آنها پرداخته نمی‌شد. به‌عنوان مثال فیلم «آسمان غرب» محمد عسگری به کم‌کاری‌های اوایل جنگ می‌پردازد و «منصور» سیاوش سرمدی کارشکنی‌های میانه جنگ را نشان می‌دهد. مهم‌ترین نکته درباره قهرمانانی که امروز در فیلم‌های دفاع‌مقدس به آن پرداخته می‌شود، توجه به نقش خانواده و همسران شهدا در بالندگی و شاخص شدن این شخصیت‌ها در تاریخ جنگ است. این همان وجه اشتراکی است که می‌توان در قالب فیلم‌های دفاع‌مقدسی که در سال‌های اخیر اکران می‌شود دید؛ از شهید بروجردی در فیلم «غریب» که با خانواده خود به کردستان پرخطر نقل مکان می‌کند تا شهید مهدی باکری در «موقعیت مهدی»، شهید علی‌اکبر شیرودی در فیلم «آسمان غرب»، شهید احمد کاظمی در فیلم «احمد» و «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری و شهید مهدی زین‌الدین در «مجنون».



برونده ویژه

مجنون خوانش از قصه دیروز

عباس نادران در گفت‌وگو با «جام‌جم» از محدودیت‌های تولید فیلم درباره قهرمانان

«مجنون» به کارگردانی مهدی شامحمدی و تهیه‌کنندگی عباس نادران بخشی از پیروزی و تسلیم‌نشدن شهید مهدی زین‌الدین را در عملیات نادران معتقد است مخاطبان در فیلم مجنون شاهد قهرمانی زمینی، که با وجود تمام کمبودها بازهم تسلیم نمی‌شود و پیش می‌رود. به گفته نادران تجهیزات تولید فیلم دفاع‌مقدس از سوی سازمان‌هایی که داعیه حمایت از فیلم را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرد، اما ناامید نشدند و پیش رفتند. در ادامه با سینمایی به گفت‌وگو پرداختیم. او معتقد است هیچ‌کس جز رهبر معظم انقلاب دفاع مقدس را ندارد و همه دنبال گرفتن عکس یادگاری هستند.

✎ در فرآیند تهیه فیلم‌های دفاع‌مقدس مانند مجنون به چه نحوی بین دقت تاریخی مانند بازسازی عملیات خبیر در جزیره مجنون و آنچه برای مخاطبان امروزی جذاب است تعادل برقرار کردید؟

پایبندی به مستندات تاریخی و ارجاع به واقعیت تا زمانی که به اصل رویداد تاریخی لطمه نزند و آن را تحت‌الشعاع قرار ندهد و در راستای درام داستان پیش برود، منطقی است؛ این یعنی باید بررسی کنیم عملیات در چه برهه‌ای رخ داده، از چه امکاناتی بهره ببرند، فرماندهان میدانی چه کسانی بودند، از چه جبهه‌ای وارد شدند و عملیات با چه نیت و هدفی انجام‌گرفت و چه اتفاقات تأثیرگذاری ازجمله از دست دادن فرماندهان اصلی در آن به وقوع پیوست. اینها ارجاعات تاریخی مؤثری در اصل رویداد هستند؛ اما نکته اینجاست که باید داستان را با زبان زمانه خودمان روایت کنیم. تمایل دارم در این باره مثالی بزنم؛ ما کتابی مانند شاهنامه داریم که در گذشته‌های دور وقتی فردوسی می‌خواهد از قهرمانان صحبت کند، با زبان و ادبیات خاص

گفت‌وگو

محمد رشنو، بازیگر فیلم «مجنون»:

مردانگی در فیلم‌های دفاع مقدس پرنرنگ‌تر بود

محمد رشنو، بازیگر جوان سینما و تلویزیون که در فیلم «مجنون» نقش برادر مهدی زین‌الدین، یعنی «مجید» را بازی می‌کند، از تجربه ایفای نقش ش مجید زین‌الدین صحبت کرد و در این رابطه به جام‌جم گفت: شهید مجید زین‌الدین، برادر شهید مهدی زین‌الدین در این فیلم مسئول عملیات بود و دست راست برادرش محسوب می‌شد. او علاقه‌ای به دیده شدن نداشت و در عکس‌هایی که از آن زمان وجود دارد به‌طور عمده حضور ندارد؛ چرا که خودش عکاس بوده و تلاش کرده تا همواره پشت صحنه باشد تا جلوی دوربین. او در توضیح تلاش‌های خود برای نزدیکی به این نقش افزود: در اینترنت جست‌وجو کردم و مستندهای موجود را دیدم. ضمن آن که به آنچه کارگردان و خانواده شهید به ما می‌گفتند هم توجه داشتم. اینها چیزهایی بود که از آن بهره‌گرفتم که به

رویداد

ترکیب جدید شورای انتشارات فارابی

اعضای جدید شورای عالی انتشارات و پژوهش بنیاد سینمایی فارابی با حضور راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی کشور، معرفی و منصوب شدند. براساس احکام مدیرعامل بنیاد، اسماعیل بَنی‌آردلان مدرس و پژوهشگر،



مسعود نقاش‌زاده مدرس و کارگردان، محمدباقر قهرمانی، مهدی رحیمیان و زهرا محمدی (هر سه مدرس دانشگاه) به‌عنوان اعضای جدید این شورا فعالیت خود را آغاز کردند. راند فریدزاده در این جلسه بر لزوم تقویت وجهه علمی و تخصصی بنیاد فارابی تأکید کرد و گفت: باید تلاش بیشتری کنیم در کنار دیگر مأموریت‌ها، بنیاد را برای خلق یک فضای علمی و تخصصی به‌روزرسانی کنیم. او ایجاد توازن بین مباحث نظری و پروژه‌های عملی را کلیدی دانست و ابراز امیدواری کرد که با فراهم آوردن بسترهای پژوهشی، تولیدات فرهنگی بنیاد به جایگاه کلیدی و انتظارات امروزی نزدیک‌تر شود. این انتصابات گامی در جهت تقویت ارتباط میان بدنه سینمایی کشور و جامعه آکادمیک و پژوهشی محسوب می‌شود.

پویانمایی

انیمیشن ایران بی‌متولی و در خطر

اشکان رهگذر، نویسنده و کارگردان انیمیشن «ژولیت و شاه» با انتقاد از وضعیت این صنعت در ایران اعلام کرد: انیمیشن متولی مشخصی در کشور ندارد. او با اشاره به این‌که بخش بزرگی از فروش آثار انیمیشن به اکران مدارس وابسته است، گفت: اگر اکران مدارس را حذف کنیم، ۶۰ تا ۷۰ درصد فروش فیلم‌ها از بین می‌رود. رهگذر تأکید کرد: به دلیل تحریم‌ها و مشکلات بانکی، بسیاری از پروژه‌های بین‌المللی با حذف هویت و نام هنرمندان ایرانی تولید می‌شوند که این موضوع بسیار دردناک است. او افزود: بازار داخلی انیمیشن انحصاری است و استودیوهای مستقلی مثل ما، هیچ بازاری در داخل کشور ندارند و درآمدشان کاملاً بین‌المللی است. این کارگردان با ابراز نگرانی از مهاجرت گسترده متخصصان انیمیشن و سرمایه‌گذاری سنگین کشورهای همسایه هشدار داد که جایگاه کیفی ایران در خاورمیانه در خطر است. او ایجاد یک نهاد متولی توسط دولت برای سیاست‌گذاری و حمایت از این صنعت را برای جلوگیری از نابودی این جایگاه ضروری دانست.



«تاجی» در مسیر اسکار

فیلم کوتاه «تاجی» به نویسندگی و کارگردانی مهدی برجیان، به بخش مسابقه سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فویل ایرلند راه یافت. اهمیت این رویداد در آن است که تنها جشنواره مورد تأیید آکادمی اسکار و بقا در ایرلند شمالی محسوب می‌شود و برنده جایزه اصلی آن مستقیماً برای رقابت به این دو آکادمی معتبر معرفی خواهد شد. این فیلم، داستان زنی سرسخت به نام «تاجی» با بازی فاطمه نیشابوری را روایت می‌کند که به‌عنوان سرکارگر یک کارخانه‌در اوج مشکلات ناچار به گرفتن تصمیمی حیاتی می‌شود. جشنواره فویل ۲۸ آبان برگزار خواهد شد.

